خراسان بزرگ: سال ششم، شماره (۱۹)، تابستان ۱۳۹۴
Quarterly bulletin of Greater Khorasan:Vol.6, No.19, Summer 2015

بررسی عوامل مؤثر بر تمایل رفتاری مردم مشهد نسبت به سنت وقف (مطالعه موردی: منطقه ثامن مشهد)

این مقاله برگرفته شده از پایان نامه کارشناسی ارشد آقای احسان مرکزی امیدوار در رشته مدیریت اماکن متبرکه مذهبی دانشگاه بین المللی امام رضاع) با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر تمایل رفتاری مردم مشهد نسبت به سنت وقف (مطالعه موردی: منطقه ثامن مشهد) بوده است.

سیدمرتضی غیور باغبانی[۱]

امید بهبودی[۲]

احسان مرکزی امیدوار[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۶/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۳/۰۵

شماره صفحات: ۴۴- ۲۷

چکیده

تحقیق و کنکاش در خصوص وقف نشان می‌دهد که احکام حقوقی و به‌ویژه رواج فرهنگ وقف در اسلام بحث مهم و گسترده‌ای است. از سوی دیگر نقش وقف به عنوان یک امر مدنی برخواسته از معارف و فرهنگ والای اسلامی در توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سامان بخشی به مسایل و مشکلات جامعه بر کسی پوشیده نیست و در این میان عملکرد مطلوب نهادهای متولی و دست‌اندرکار تأثیر بسزایی در برخورداری جامعه از اثرات مختلف موقوفات مردمی و تمایل به مشارکت بیشتر آنان در این امر دارد. هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی عوامل مؤثر بر تمایل رفتاری مردم مشهد نسبت به سنت «وقف» می‌باشد، که به منظور سنجش تمایل رفتاری از مدل رفتار برنامه‌ریزی‌شده آیزن (۱۹۷۵) استفاده شده است. این پژوهش از حیث ماهیت، کاربردی[۲] و از لحاظ نحوه گردآوری داده ها ازنوع توصیفی[۳]- پیمایشی[۴]- مقطعی[۵] است. جامعه‌ی آماری پژوهش، شهروندان ساکن در منطقه‌ی ثامن مشهد هستند. با توجه به نامحدود بودن جامعه آماری، بر اساس جدول مورگان[۶] جامعه نمونه با حجم ۳۸۴ نفر تعیین شده که با استفاده از شیوه‌ی نمونه‌گیری احتمالی (تصادفی)ساده[۷] مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در مجموع از میان پرسشنامه‌های توزیع‌شده ۳۸۷ پرسشنامه سالم گردآوری شد. نتایج تجزیه و تحلیل آزمون معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار Smart PLS حکایت از تأیید فرضیه‌های پژوهش دارد. نتایج نشان دادند که نگرش کلی، هنجارذهنی و کنترل رفتاری ادارک‌شده‌ی شهروندان منطقه ثامن به طور معنی‌داری با تمایل رفتاری‌شان نسبت به سنت حسنه وقف در ارتباط می‌باشد. میزان ضریب مسیر نگرش، هنجارذهنی و کنترل رفتارادراک شده به تمایل رفتاری به ترتیب برابر با ۲۰۱/. ، ۳۲۴/. و ۴۱۵/. است که نشان‌دهنده میزان تاثیر سه مولفه به صورت مستقیم بر تمایل رفتاری است. در نهایت مشخص شد که سه مولفه نگرش، هنجارذهنی و کنترل رفتار ادراک شده ۵۵ درصد از تغییرپذیری تمایل رفتاری را تبیین می‌کند؛ لیکن این ارتباط دارای شدت و ضعف می‌باشد.

کلید واژه‌ها: وقف، نگرش، هنجار ذهنی، کنترل رفتاری ادارک‌شده، مدل رفتار برنامه‌ریزی‌شده.

---

۱. استادیار گروه مدیریت دانشگاه بین المللی امام رضا (ع)، (نویسنده مسئول) Ghayour@Imamreza.ac.ir

۲. کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی، گروه مدیریت دانشگاه بین المللی امام رضا (ع)

۳.دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت اماکن متبرکه مذهبی دانشگاه بین المللی امام رضا (ع)،

1. Applied
3. Descriptive
4. Survey
5. Cross Sectional
6. Morgan
7. Simple Random Sampling

مقدمه

وقف یکی از سنت‌های حسنه در تعالیم مذهبی و دین اسلام است. طبق آیات قرآن کریم و روایات اسلامی وقف یکی از باارزش ترین و نیکوترین مولفه‌های احسان و انفاق در راه خدا و خلق خدا است (عسکری و بغدادی، ۱۳۹۴). وقف، سابقه طولانی در فرهنگ ملل و تمدن‌های تاریخ بشری دارد. تاریخچه‌ی وقف به پیش از ظهور اسلام باز می‌گردد. شواهد و قرائن نشان می‌دهد، که این عنوان پیش از اسلام بین پیروان همه ادیان در غرب و شرق متداول بوده و اداره‌ی معبدها، صومعه‌ها و آتشکده‌ها، زندگی اسقف‌ها، موبدان و کاهنان از منافع و درآمدهای موقوفات بوده است (الکبیسی،۱۳۶۴). موقوفات در تاسیس و تداوم حیات نهادها و مراکز فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی تاثیر فراوانی داشته و توانسته‌اند در دوره‌های مختلف تاریخ منشا حرکت‌های موثری باشند (پوراحمد، منوچهری میاندوآب، رفیعی‌مهر و آقاصفری، ۱۳۹۲).

فرهنگ و تمدّن اسلامی و عناصر تشکیل دهندهٔ آن به گونه‌ای است که در صورت شناخت عمیق و همه جانبهٔ آن‌ها، می‌توان راه‌کارهای توسعه و پیشرفت معنوی و مادی جامعه بشری را در تعالیم حیات بخش این فرهنگ الهی جستجو کرد. توصیه به داشتن روحیهٔ انفاق، احسان، ایثار، تعاون، فداکاری، نوع‌دوستی،

تعاضد، همیاری و ایجاد صدقات جاریه، در قالب سنّت حسنهٔ وقف، یکی از عناصر و عوامل به وجود آورندهٔ فرهنگ و تمدن اسلامی است که ثمرات علمی، بهداشتی درمانی، اجتماعی و فرهنگی فراوانی در توسعهٔ جامعه و رفع نیازهای روز آن در طول تاریخ داشته است (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۲). در اسلام یکی از راه‌های تحقق بخشیدن به اهداف خیرخواهانه وقف است. نهادی که گسترش آن از یک سو سبب تعدیل و توزیع ثروت و از سوی دیگر موجب از بین رفتن نیازهای فرهنگی و اجتماعی موجود در جامعه می‌گردد و می‌توان ادعا نمود سنت حسنه وقف پشتوانه اقتصادی اهداف انسانی است که در طول تاریخ با توجه به سطح زندگی مردم برای رشد فرهنگ و دانش بشری تاثیر بسیاری داشته‌است (میرهاشمی و سرهنگیان، ۱۳۹۳: صفایی پور، سیاحی، زرگرشوشتری و داری پور، ۱۳۹۲). وقف به عنوان بارزترین مصداق احسان، تعاون و عمل صالح ماندگار، منشاء خدمات علمی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در سطح جامعه است که از این دیدگاه مورد اقبال دولت‌ها بوده و هست. دین مبین اسلام که برترین و کامل‌ترین ادیان الهی است، وقف را به عنوان صدقه جاریه تنفیذ و تحسین می‌نماید (ابوسعید، ۱۳۵۸). وقف در تمامی ادیان به اشکال مختلفی وجود داشته است. در ایران باستان، زردتشتیان براساس تعالیم کتاب اوستا، زمین‌های خود را برای ساخت آتشکده‌ها، در جهت ارائه خدمات به زائران و موارد مشابه وقف می‌کردند (عسکری و بغدادی، ۱۳۹۴). در کشور ما وقف دارای سابقه‌ای درخشان و طولانی مدت است. گرچه این نهاد در دوره‌های مختلف در اقتصاد کشور ما نقشی فعال داشته است، اما دوران صفوی را می‌توان اوج توسعه و رشد اوقاف در ایران در نظر گرفت. به طوری که در پایان دوران صفوی، در شهرهای ایران، کمتر زمین زراعی و یا خانه مسکونی یافت می‌شد که تمام یا بخشی از آن وقف نبوده است. وقف در ایران ابتدا به صورت زمین، باغ و ملک بود؛ ولی بعدها و به مرور زمان، علاوه بر املاک، مستغلات زیادی از قبیل مغازه‌ها، اماکن تجاری، ابزارهای مختلف تولیدی همچون آسیاب‌ها، نانوایی‌ها، حمام‌های عمومی، قهوه خانه‌ها، کوره‌های گچ‌پزی، کارگاه‌های بافندگی، کشتی‌های تجاری، کتاب و کتابخانه، پول نقد و مستمری‌های مقرر دولتی برای برخی از افراد نیز جزو موقوفات گردید (مصباحی مقدم، میسمی، عبدالهی و قائمی اصل، ۱۳۹۰).

علیرغم اینکه نهادهای مشابه وقف در اسلام در کشورهای پیشرفته جهان همچون سایر نهادهای اجتماعی متناسب با تغییرات متحول شده و با کارایی قابل توجهی شکل گرفته تا موجب جهش‌های پیشرفتی اجتماعی، فرهنگی و علمی بیشتر و مؤثرتر باشد، اما متأسفانه درکشورهای اسلامی نهاد وقف در عین اهمیت آن در فقه اسلامی و دارا بودن ظرفیت‌های به کارگیری در بخش‌های مختلف تولیدی، خدماتی، بازرگانی، صنعتی و غیره متناسب با نیازهای روز هنوز به پیشرفت و کارایی لازم نرسیده است (میرهاشمی و سرهنگیان، ۱۳۹۳).

بنابراین به منظور ترویج فرهنگ وقف و برای حفظ و تداوم موقوفات؛ این میراث کهن و جاودان که سند افتخار ملت و سرمایه ماندگار نسل‌های آتی است و همچنین به منظور برخورداری از تأثیرات مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ضروری است که نگرش مردم و به طور کلی تمایلات رفتاری ایشان نسبت به سنت حسنه وقف و موقوفات مورد بررسی قرار گیرد. بدین ترتیب مسأله اصلی در پژوهش حاضر، تحقیق و تتبع در رابطه با عوامل مؤثر بر تمایلات رفتاری مردم مشهد (به عنوان یکی از شهرهایی که دارای بیشترین آمار موقوفات است) نسبت به سنت حسنه وقف است، تا ضمن بررسی عوامل مذکور، در جهت فراهم ساختن میل و گرایش و تمایل شهروندان به این سنت مهم قدم‌های مثمر ثمری برداشته شود.

مبانی نظری پژوهش

مفهوم شناسی وقف

وقف از باسابقه ترین میراثهای ارزشمند اسلامی است که از صدر اسلام تاکنون در همه جوامع اسلامی سخت مورد توجه بوده و به رغم همه نوسان ها و دگرگونی ها، آثار بسیار ارزشمند و موثری در زمینه های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... برجای گذاشته است (کلانتری خلیل آباد، صالحی و رستمی، ۱۳۸۹). وقف در لغت به

معنای ایستادن، نگهداشتن، توقف، به حالت ایستاده ماندن و آرام گرفتن، حبس کردن و منحصر کردن چیزی برای استفاده کسی است (میرهاشمی و سرهنگیان، ۱۳۹۳). وقف مصدر باب ضرب یضرب در لغت به معنای حبس است. همچنین وقف به صیغه اوقاف جمع بسته می‌شود. ابن قدامه و موافقین در تعریف می‌نویسد: الوقف هو تحبیس الاصل و تسبیل الثمره. مراد از الاصل در تعریف عین موقوفه است و مراد از تسبیل‌الثمره اطلاق فواید آن است اعم از غله، میوه و غیر این‌ها برای صرف در جهت تعیین شده از طرف واقف (الکبیسی،۱۳۶۴). در ماده ۵۵ قانون مدنی آمده است وقف عبارت است از این که عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۲: بشیری، رحیم پور، زمانی، رجایی و باقری، ۱۳۹۰)، منظور از حبس نمودن عین مال نگاه داشتن عین مال از نقل و انتقال و همچنین از تصرفاتی که موجب تلف عین گردد؛ زیرا مقصود از وقف، انتفاع همیشگی موقوف علیهم از مال موقوفه است و بدین جهت هم آن را وقف گفته‌اند. منظور از تسبیل منافع، واگذاری منافع در راه خداوند و امور خیریه و اجتماعی می باشد. وقف از یک جهت به وقف عام و خاص، تقسیم می‌شود:

وقف عام: وقف عام وقفی را گویند که راجع به جهات عامه باشد. مثل مساجد، مدارس و هرچه از این قبیل باشد. وقف عام یا شامل جهت است و مصلحت عام را در نظر دارد، مثل وقف بر مساجد، پل‌ها و مدارس و یا شامل عنوان عام است مثل فقرا و ایتام.

وقف خاص: وقف خاص وقفی است که اختصاص به افراد معینی به طور تعقب داشته باشد. مثل وقف بر اولاد و احفاد. به عنوان مثال، مالکی مال غیرمنقول یا مال منقول قابل دوام را وقف می‌کند تا فرزندان او از منافع مال بهره ببرند که این عمل را وقف خاص گویند. (ریاحی‌سامانی،۱۳۸۸).

وقف دارای ارکانی است که عبارتند از:

واقف: واقف کسی است که با شرایط مشخصی عمل وقف را انجام می‌دهد؛ یعنی مالی را که در اختیار او و مالک آن است از اختیار و تصرف خود خارج می‌کند و به تصرف وقف می‌دهد؛ بنابراین واقف درحقیقت موقوفه را تأسیس می‌کند.

موقوف‌علیه: بهره‌مند از موقوفه؛ کسی که منافع موقوفه به او اختصاص یافته است و حق انتفاع از مال یا مِلک وقفی را دارد (شیبانی،۱۳۸۰). موقوف‌علیه ممکن است شخص یا اشخاص حقیقی باشد، مانند: وقف باغی به نفع اهالی فلان روستا. همچنین ممکن است شخص یا اشخاص حقوقی باشد، مانند: وقف زمینی برای فلان دانشگاه (پرنده،۱۳۹۱).

متولی: متولی کسی است که سرپرستی و اداره امور موقوفه را بر عهده دارد. متولی یا خود واقف است یا شخصی که واقف تعیین کرده است (پرنده،۱۳۹۱). به شخصی که از طرف واقف تعیین، و در وقف نامه به آن تصریح شده باشد متولی منصوص می‌گویند (جعفری‌لنگرودی،۱۳۹۴).

وقف نامه

وقف نامه، سند یا نوشته‌ای است که واقف در خصوص اموال منقول یا غیرمنقول خود تنظیم می‌کند و در آن مشخصات موقوفه شامل: نام واقف، نام رقبه وقفی(مال وقف شده)، نام متولی و ناظر، نحوه مصرف(نیت و قصد واقف)، میزان حق التولیه، میزان حقّ النظاره، حدود اربعه رقبه وقفی و بعضی از قیود خاص مثل تاریخ وقف، امضاء یا مُهر واقف درج می‌شود.

کارکردهای وقف

کارکرد اجتماعی وقف

در بعد اجتماعی وقف همچون چتری بزرگ سایه‌ی خود را بر سر تمام نیازمندان و محرومان می‌گستراند و جامعه را از فقر که عامل بسیاری از مفاسد اجتماعی، اخلاقی و سستی در ارکان دینی است، نجات می‌دهد و امکان همزیستی مسالمت‌آمیز را در محیطی مملو از اخوت و حسن ظن، که زمینه‌ساز پیشرفت و تعالی جامعه خواهد شد فراهم می‌کند. بسیاری از خدمات اجتماعی در گذشته از طریق موقوفات ارائه می‌شده است؛ کاروانسراها، رباط‌ها، دارالایتام و... اماکنی بودند که به شدت مورد نیاز جامعه سنتی بوده و واقفان با عنایت به این دسته از نیازهای اجتماعی اقدام به عمل وقف می‌کرده‌اند، حمایت از گروه‌های اجتماعی مانند مسافران، فقرا، کمک به ازدواج افراد بی‌بضاعت، ایجاد مراکز بهداشتی و درمانی، تأسیس پرورش‌گاه‌های کودکان بی‌سرپرست، ایجاد مجتمع تربیتی در مناطق محروم کشور و... از مهمترین کارکردهای اجتماعی وقف در جامعه است. سنت حسنه وقف یکی از مصادیق بارز احسان و غیرخواهی است که انسان با بهره‌گیری از تعالیم انبیا آن را از دیرباز بنیان نهاده و در صحنه حیات اجتماعی به ودیعت گذارده است. روحیه تعاون اجتماعی و سبقت در خیرات در نهاد وقف عینیت می‌یابد و به عمل واقف، مهر ابدیت می‌زند. در وقف دو بعد خود دوستی و نوع دوستی انسان به منصه ظهور می‌رسد. یکی از هنرهای اسلام به منظور نفوذ بیشتر کلامش در انسان استفاده از خود دوستی انسان (حب النفس) است که در آیات مختلف خطاب به انسان عنوان شده. در وقف نیز از بعد خود دوستی انسان استفاده کرده و عضویت در این نهاد را راهی می‌داند که در آن نام انسان و مالکیت اموال و دارایی های او تا ابد تضمین می‌شود ودر مواردی که مد نظر دارد عایدات آن به مصرف می‌رسد (سلیمی فر، ۱۳۷۰).

در این بین نقش وقف از دو راه می‌تواند در این مورد موثر باشد:

۱. نفس استقلال و رشد و توسعه اقتصادی (مبتنی بر موازین اسلامی) که به طور طبیعی موجب رفاه عمومی و زدودن و دست کم کاهش چشم‌گیر فقر و محرومیت و آثار شوم آن در جامعه خواهد شد.

۲. بخش عمده‌ی موارد مصرفی که واقفان دورنگر و نیکوکار در طول تاریخ وقف در نظر گرفته‌اند به رفاه عمومی، فقر زدایی و عدالت اجتماعی مربوط می‌شود (حائری یزدی، ۱۳۷۸).

کارکرد توسعه ارزش‌های الهی و معنوی (فرهنگی)

یکی از مهم‌ترین جنبه و اساسی ترین بعد در بحث وقف و نقش وقف در توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی، نقش وقف در تکامل و توسعه ارزش‌های الهی و معنوی است. رشد ارزش‌های مادی و معنوی در یک جامعه به مثابه رشد، توسعه فرهنگ آن جامعه تلقی می‌شود و زوال ارزش‌های مادی و معنوی در یک جامعه به مثابه زوال فرهنگ و تمدن آن جامعه، ارزیابی می‌گردد. مهم‌ترین نقشی که وقف در توسعه فرهنگ و تمدن ایفاء می‌کند توسعه‌ای معنوی جامعه است. توسعه‌ی معنوی جامعه بدین مفهوم است که جامعه در بعد الهی، دینی و ارزش‌های معنوی خویش بیشتر از ابعاد مادی رشد می‌کند؛ زیرا اگر وقف را از دیدگاه انسانی و معنوی آن نگاه کنیم، وقف، عبارت است از به خدمت گرفتن ارزش‌ها و امکانات مادی به نفع ارزش‌های معنوی، به عبارت دیگر جامعه زمانی از لحاظ معنوی بیشتر رشد می‌کند که ارزش‌های مادی و امکانات مادی‌اش در خدمت امکانات و ارزش‌های معنوی‌اش باشد. از سوی دیگر جامعه‌ای که در آن ارزش‌های معنوی حاکم است، ارزش‌های مادی همیشه در خدمت ارزش‌های معنوی است. با توسعه وقف ثروت و سرمایه‌های مادی جامعه به صورت عادلانه در میان همه اقشار جامعه توزیع می‌گردد. با گسترش فرهنگ وقف و انفاق، مدام از تراکم و انباشتگی ثروت به دست عده، قشر یا طبقه‌ای خاص جلوگیری به عمل می‌آید. بنابراین با یقین می‌توان ادعا کرد که می توان با گسترش هر چه بیشتر فرهنگ وقف و انفاق، فرهنگ و تمدن اسلامی را توسعه داده و نظام توحیدی را به قاعده ای نظام زیست بشر تبدیل کرد (سلیمی فر، ۱۳۷۰).

وقف در ایران

در سال ۳۲ هجری قمری(۶۵۱م) و با مرگ یزدگرد، ایران جزو قلمرو اسلامی شده و زمینه‌ای متصرفی محکوم به حکم اسلامی شد. بخشی از این زمین‌ها که در هنگام فتح آباد بوده طبق روایتی که حماد از امام موسی بن جعفر(ع) نقل کرده‌است موقوفه محسوب شده و به کسانی واگذار می‌شد که آن را آباد و احیاء کنند و به قدر توانایی خراج بپردازند. پس از آن در نیمه دوم قرن چهارم هجری دیوان اوقاف بوجود آمد. در دوران سلجوقیان و بخصوص در سلطنت آلب ارسلان و ملکشاه که خواجه نظام‌الملک وزارت آن‌ها را بر عهده داشت موقوفات زیادی خصوصاً در زمینه احداث مدارس و نظامیه‌ها وجود داشت. در زمان شاه عباس اول هم بیش از هر دوره دیگر به املاک موقوفه اضافه شد و وی تمامی آن‌ها را وقف چهارده معصوم (ع) کرده و تولیت آن‌ها را به خود و پس از خود به سلطان زمان اختصاص داد که عواید آن پس از وضع حق‌التولیه بر حسب اختیار و نظر متولی و بنا به اقتضای زمان صرف شود. در عهد صفویه به علت وسعت زیاد موقوفات، تشکیلات اداری نسبتاً وسیعی برای اداره آن‌ها بوجود آمد و درآمد موقوفات در موارد اجتماعی مصرف می‌شد. اوقاف در زمان نادرشاه رو به افول گذاشت و حرمت و قداست خود را از دست داد و تا زمان انقراض سلسله قاجاریه هیچگاه سروسامانی نگرفت. سرانجام چهار سال پس از برقراری مشروطیت در ایران یعنی در سال ۱۳۲۸ هجری قمری (۱۲۸۹ ه. ش) قانون تشکیل وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه تصویب گردید و مسؤولان ادارات معارف در شهرستان‌ها موظف به انجام امور مربوط به اوقاف شدند. پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی هم قانون جدید تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف در مجلس شورای اسلامی تصویب شد و سازمان حج و اوقاف و امور خیریه موظف به اداره موقوفات عام که فاقد متولی بوده و اداره اماکن مذهبی که ترتیب خاصی برای اداره آن‌ها داده نشده و همچنین مؤسسات و انجمن‌های خیریه‌ای که به تشخیص دادستان محل فاقد مدیر باشد، گردید (سلیمی فر،۱۳۷۰).

وقف و مسایل مربوط به آن سابقه‌ای دیرینه در تاریخ شهر مشهد دارد و به اشکال گوناگون در دوره های مختلف تاریخی ادامه داشته است. به عنوان مثال می‌توان از موقوفات تیموری در خراسان بزرگ نام برد. غازان خان در شهرها و نقاط گوناگون تحت سلطه خود در ایران، اماکن مذهبی و عمومی فراوانی ساخت و برای همه آن‌ها و حتی برای بیت المقدس و مشهد، مکان‌هایی را وقف کرد (کلانتری خلیل آباد و همکاران، ۱۳۸۹). اوج گسترش موقوفات در مشهد در دوره صفوی می‌باشد که این روند در تاریخ ایران بی نظیر بوده‌است (نیک مهر و وکیلی، ۱۳۹۲). گستردگی رقبات وقفی حضرت رضا (علیه السلام) به گستردگی کشور پهناور ایران است و تقریباً در هرجایی رقبه‌ای به نام آن حضرت وقف شده است؛ اما بدیهی است که مشهد و حومه آن به علت همجواری با مرقد منوّر امام رئوف بیشترین رقبات وقفی را به خود اختصاص داده‌باشد. اگر بخواهیم به ترتیب بیشترین درصد موقوفات آستان قدس رضوی را بر اساس تعداد رقبات وقفی بیان کنیم، بیشترین رقم موقوفات در استان خراسان رضوی است و بعد به ترتیب بیشترین درصد در استان‌های یزد و کرمان، تهران، سمنان، گلستان، مازندران، خراسان شمالی، گیلان، اصفهان، فارس،

آذربایجان شرقی و غربی، قزوین، و خراسان جنوبی قرار دارد (پرنده، ۱۳۹۱).

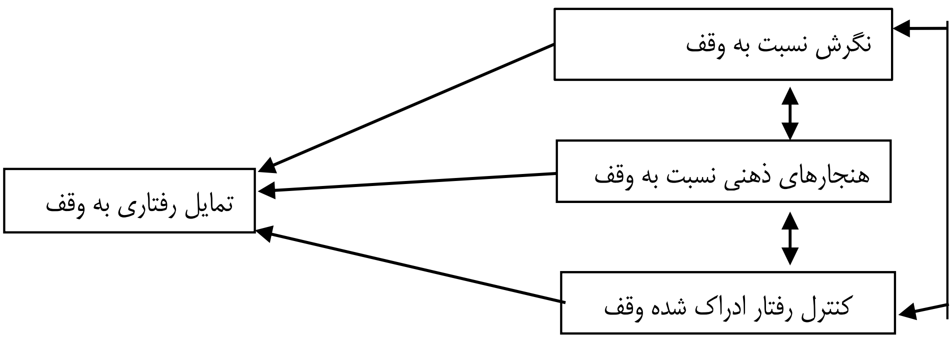
تئوری رفتار برنامه ریزی شده[1]

اولین بار «آیزن» (۱۹۸۵) به اندازه‌گیری مستقیم نگرش‌ها، هنجارهای ذهنی، عوامل مؤثر بر روی رفتار یک فرد و کنترل رفتاری ادراک شده پرداخت. این مدل، شامل اندازه‌گیری غیرمستقیم نگرش‌ها، هنجارهای ذهنی و کنترل رفتاری درک شده نیز هست (اسمارکلا[2]،۲۰۰۸: جلیل وند و سمیعی، ۲۰۱۲). بر مبنای این نظریه، عمل انسان با سه عامل هدایت می‌شود: عقایدی در مورد عواقب احتمالی رفتار (نگرش فرد)، عقایدی در مورد انتظارهای بهنجار از دیگران (هنجاری ذهنی) و عقایدی در مورد حضور عواملی که ممکن است بر اجرای رفتار اثرگذار باشند (کنترل رفتار ادراک شده) (هرابز[3]و آیزن،۲۰۰۱: علم و سیوتی[4]، ۲۰۱۱).

- نگرش فرد به رفتار: احساس کلی افراد در مورد مطلوب بودن یا مطلوب نبودن یک موضوع یا رفتار خاص می‌باشد. (فیش‌بین[5] و آیزن[6]، ۱۹۷۵)
- هنجار ذهنی: به برداشت فرد از نظرات افراد مهم برای انجام یا عدم انجام رفتار اشاره دارد(فیش بین و آیزن،۱۹۷۵). به عبارت دیگر، هنجار ذهنی، ادراکات مربوط به نظرات اجتماع برای انجام یا عدم انجام رفتار توسط فرد می‌باشد.
- کنترل رفتاری اداراک شده: درک فرد از آسانی و سختی انجام رفتار است و برداشت فرد را از مهارت‌ها، منابع و فرصت‌های مورد نیاز در جهت انجام رفتار را نشان می‌دهد. (فیش بین و آیزن،۱۹۷۵)

باورهای رفتاری، نگرش مطلوب یا نامطلوبی را نسبت به رفتار ایجاد می‌کنند. باورهای اصولی به درک فشار اجتماعی یا هنجارهای ذهنی منجر می‌شود و در نهایت باورهای کنترلی به افزایش کنترل رفتاری ادراک شده، درک سهولت و یا سختی اجرای رفتار می‌انجامد. در کل، نگرش نسبت به رفتار، هنجار ذهنی و ادراک فرد از کنترل رفتاری، به شکل‌گیری قصد رفتاری فرد منجر می‌گردد. نگرش و هنجار ذهنی مطلوب‌تر و درک کنترل بیشتر بر اجرای کار، به احتمال زیاد، قصد فرد را به اجرای یک رفتار در پاسخ به یک نیاز بر خواهد انگیخت (هرابز[7]و آیزن،۲۰۰۱: علم و سیوتی[8]، ۲۰۱۱).

مدل مفهومی پژوهش



شکل ۱. مدل رفتار برنامه‌ریزی شده (آیزن،۲۰۰۶)

1. Theory Planned Behavior(TPB)
2. Smarkola
3. Hrubes
4. Alam & Sayuti
5. Fishbein
6. Ajzen
7. Hrubes
8. Alam & Sayuti

فرضیه‌های پژوهش

- نگرش مردم بر تمایل رفتاری ایشان نسبت به سنت وقف تأثیر دارد.
- هنجارهای ذهنی مردم بر تمایل رفتاری ایشان نسبت به سنت وقف تأثیر دارد.
- کنترل رفتاری اداراک شده توسط مردم بر تمایل رفتاری ایشان نسبت به سنت وقف تأثیر دارد.

روش شناسی

پژوهش حاضر از آنجا که درباره یک موضوع واقعی، عینی و زنده (پویا) صورت گرفته است و از نتایج آن می‌توان به طور عملی استفاده کرد، یک تحقیق کاربردی است و از آنجا که محقق در آن به توصیف و مطالعه آنچه هست می‌پردازد، توصیفی- پیمایشی از نوع همبستگی به شمار می‌آید و با توجه به اینکه در یک مقطع زمانی مشخص (زمستان۱۳۹۴) به انجام رسیده، مقطعی می‌باشد.

در این پژوهش، جامعه آماری « مردم ساکن در منطقه ثامن مشهد (اطراف حرم مطهر امام رضا"علیه السلام") » است. با توجه به اینکه مشهد بیشترین وقفیات کشور را و بلکه جهان اسلام را دارد (آستان نیوز) به عنوان جامعه آماری انتخاب شده‌است و با توجه به گستردگی جامعه آماری، یک منطقه خاص آن یعنی منطقه ثامن انتخاب شده است زیرا حرم مطهررضوی در این منطقه است، و اینکه صاحب‌نظران معتقدند که علت بالا بودن وقفیات در مشهد به دلیل وجود بارگاه امام هشتم حضرت رضا (ع) در این شهر است (پرنده، ۱۳۹۱). با توجه به نامحدود بودن جامعه آماری، بر اساس جدول مورگان جامعه نمونه با حجم ۳۸۴ نفر تعیین شده که با استفاده از شیوه‌ی نمونه‌گیری احتمالی از نوع تصادفی ساده مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

فرمول محاسبه‌ی حجم نمونه برای جامعه ی نامحدود به شرح زیر می‌باشد.

$$n = \frac{S_x^2 . Z_{\frac{a}{2}}^2}{d^2}$$

که در این فرمول :

n= حجم نمونه

z = ۱/۹۶ (عدد مربوط به خطای نوع اول از جدول نرمال)

S_x^2= واریانس جامعه

d=0.05: کران خطای برآورد (دقت برآورد شده یا حداکثر خطای حدی: فاصله بین مقدار برآورد شده از مقدار واقعی)

بنابراین:

$$n = \frac{S_x^2 . Z_{\frac{a}{2}}^2}{d^2} = \frac{0.5\times0.5\times(1.96)^2}{(0.05)^2} \cong 384$$

برای جمع آوری اطلاعات مربوط به مبانی نظری و سوابق تحقیق، تدوین مدل تحلیل و تنظیم فرضیه‌های تحقیق از روش کتابخانه‌ای و برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. پرسشنامه تدوین‌شده در مجموع حاوی ۲۸سؤال می‌باشد که در۶ بعد، نگرش شناختی (با۴سؤال)، نگرش عاطفی (با۶سؤال)، نگرش رفتاری (با۴سؤال)، هنجارذهنی (با۵سؤال)، کنترل رفتاری درک شده (با۵سؤال) و تمایل رفتاری (با۴سؤال) طراحی و پاسخ‌ها بر اساس مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت و در طیف (از کاملاً موافقم تا کاملاً موافقم) استخراج گردیده‌است.

برای تحلیل آماری داده‌های گردآوری شده در بخش آمار توصیفی از جداول فراوانی و برای نمایش اطلاعات جمعیت شناختی استفاده شده‌است. در بخش آمار استنباطی آزمون فرضیه‌های تحقیق نیز از مدلیابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار PLS استفاده شده-است.

بحث و یافته ها

آمار توصیفی

داده‌های حاصل از متغیرهای جمعیت شناختی نشان داد که ۵۶/۳ درصد افراد نمونه مرد و ۴۱/۱ درصد آنان زن بوده‌اند، میزان تحصیلات پاسخ‌دهندگان را ۲۴/۵ درصد زیردیپلم، ۵۰/۲ درصد کاردانی و کارشناسی، ۱۸/۶ کارشناسی ارشد، ۲/۱ درصد مقطع دکتری و ۱/۸ حوزوی تشکیل می‌دهند. سن پاسخ‌دهندگان نیز ۵/۲ درصد زیر۲۰سال، ۷۰/۳ درصد ۲۱ تا۴۰ سال،۱۸/۳ درصد ۴۱ تا ۶۰ سال و ۴/۱ درصد بوده است. و در نهایت درصد شغلی افراد نمونه را ۳۸/۵ درصد کارمندان، ۱۶/۶ درصد شغل آزاد، ۵/۹ درصد بازنشسته، ۸/۵ درصد خانه دار و ۲۳/۳ درصد دانشجویان تشکیل داده‌اند.

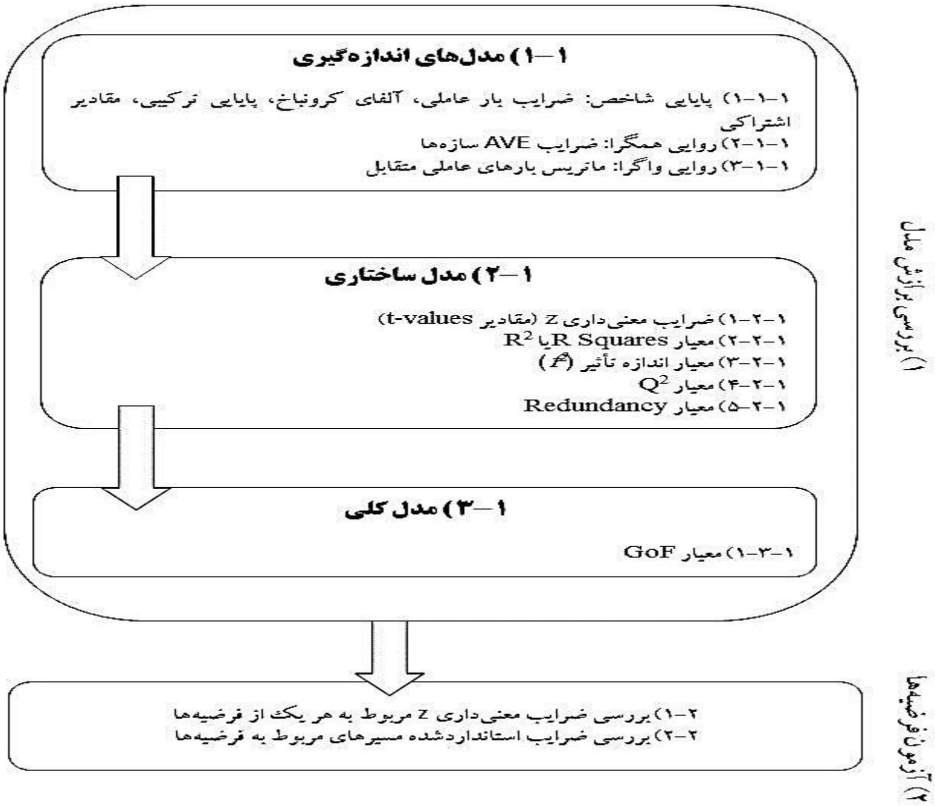
آمار استنباطی

روش مدل‌یابی معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی (PLS-SEM) توسط وُلد[1] (۱۹۷۴) ابداع و در ادامه نسخه‌ی پیشرفته‌تر این روش توسط لُمولر[2] (۱۹۸۹) ارائه شد. PLS - SEM یکی از رویکردهای نسل دوم مدل‌یابی معادلات ساختاری است و در مقایسه با روش‌های نسل اول که کواریانس محور بودند مزیت‌هایی را داراست.

روش حداقل مربعات جزئی (PLS) از دو مرحله‌ی اصلی تشکیل شده است: ۱) بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری، مدل ساختاری و مدل کلی ۲) آزمودن روابط میان سازه‌ها

.

1. Wold
2. Lohmoller



شکل۲. الگوریتم تحلیل داده‌ها در روش PLS (داوری و رضازاده،۱۳۹۳)

مدل‌های اندازه‌گیری

روایی همگرا[1]

همبستگی ابعاد یک متغیر با هم را می‌سنجد. به بیان ساده‌تر روایی همگرا، میزان همبستگی یک سازه با شاخص‌های خود را نشان می‌دهد، که هرچه این همبستگی بیشتر باشد، برازش نیز بیشتر است. (داوری و رضازاده، ۱۳۹۳).

پایایی ترکیبی[2]

پایایی ابزار که از آن به اعتبار، دقت و اعتماد پذیری نیز تعبیر می‌شود، عبارت است از اینکه اگر یک وسیله اندازه‌گیری که برای سنجش متغیر و صفتی ساخته شده در شرایط مشابه در زمان یا مکان دیگر مورد استفاده قرار گیرد، نتایج مشابهی از آن حاصل شود؛ به عبارت دیگر، ابزار پایا یا معتبر ابزاری است که از خاصیت تکرارپذیری و سنجش یکسان برخوردار باشد (حافظنیا، ۱۳۹۲).

یکی از روش‌های محاسبه قابلیت اعتماد استفاده از فرمول کرونباخ است. این روش برای محاسبه هماهنگی درونی ابزار اندازه‌گیری از جمله پرسشنامه‌ها یا آزمون‌هایی که خصیصه‌های مختلف را اندازه‌گیری می‌کند به کار می‌رود.

باعنایت به اینکه معیار آلفای کرونباخ یک معیار سنتی برای تعیین پایایی سازه‌ها می‌باشد، روش PLS معیار مدرن‌تری نسبت به آلفا به نام پایایی ترکیبی (CR) به کار می‌برد. برتری آن نسبت به آلفای کرونباخ در این است که پایایی سازه‌ها نه به‌صورت مطلق بلکه به همبستگی سازه‌های‌شان با یکدیگر محاسبه می‌گردد. درصورتی که مقدار CR برای هر سازه بالای ۰/۷ شود، نشان از پایداری درونی مناسب برای مدل‌های اندازه‌گیری دارد.

در جدول زیر مقادیر روایی همگرا (AVE) و آلفبای کرونباخ و پایایی ترکیبی (CR) هر کدام از سازه‌ها آورده شده‌است.

1. Convergent Validity
2. Composite Reliability (CR)

جدول ۱. مقادیر AVE و CR حاصل از فرمان PLS Algorithm

سازه	AVE	CR	آلفای کرونباخ
نگرش شناختی	/۵۵۵.	/۸۲۹.	/۷۲۳.
نگرش عاطفی	/۵۵۶.	/۸۹۸.	/۸۶۴.
نگرش رفتاری	/۶۱۳.	/۸۶۳.	/۷۸۷.
نگرش کل	/۶۳۸.	/۸۴۱.	/۷۱۵.
هنجار ذهنی	/۵۳۱.	/۸۱۸.	/۷۰۷.
کنترل رفتاری ادراک‌شده	/۶۴۶.	/۸۷۸.	/۸۱۶.
تمایل رفتاری	/۷۵۶.	/۹۲۵.	/۸۹۲.

ضریب AVE برای تمامی متغیرها در جدول (۱) بالای ۵/. است، که این مقادیر همگرایی قابل‌قبولی را نشان می‌دهند. سازه‌ی تمایل- رفتاری با مقدار AVE= ۷۵۶/. بالاترین میزان روایی همگرا را به خود اختصاص داده و حاکی از این مطلب است که مناسب‌ترین سؤالات برای این متغیر در پرسشنامه در نظر گرفته شده‌است. به همین نحو برای سایر سازه‌ها این مطلب صادق است. با توجه به اینکه معیار CR به مراتب بهتر از آلفای کرونباخ است؛

یافته‌ها در جدول فوق نیز نشان می‌دهد که تمامی مقادیر CR برای همه‌ی سازه‌ها بالای ۷/. می‌باشد و از پایایی درونی خیلی خوبی برخوردار هستند. هرچند مقادیر کرونباخ سازه‌ها نیز بالای ۷/. می- باشد

اما CR معیار مناسب‌تری برای سنجش پایایی سازه‌های پژوهش می- باشد.

تحلیل عاملی تأییدی

در این روش پژوهشگر سعی می‌کند تأییدی بر یک ساختار عاملی مفروض به دست آورد. یعنی تعیین کند که داده‌ها با یک ساختار عاملی معین که در فرضیه آمده، هماهنگ است یا خیر. تحلیل عاملی تأییدی برای سنجش روایی شاخص‌های یک سازه در پرسشنامه نیز به کار گرفته می‌شود تا معلوم شود هماهنگی و همسویی لازم بین شاخص‌ها

شاخص‌ها (سؤالات) وجود دارد. به بیان دیگر، تحلیل عاملی تأییدی ابزاری است برای سنجش روایی پرسشنامه. یعنی پرسشنامه چیزی را اندازه بگیرد که برای اندازه‌گیری آن ساخته شده‌است.

هر چه میزان ارتباط میان شاخص‌ها (سؤالات) با سازه‌های خود در یک پرسشنامه بیشتر باشد آن پرسشنامه از اعتبار و روایی بالایی جهت سنجش برخوردار است. بدین منظور از آزمون تحلیل عاملی تأییدی برای سنجش روایی سوالات پرسشنامه بهره گرفته شده‌است. در جدول بعد ماتریس بارهای عاملی متقابل در ارتباط با سؤالات و سازه ها نشان داده شده‌است.

جدول شماره ۲. ماتریس بارهای عاملی متقابل در رابطه‌ی با سازه‌های مدل

شاخص‌ها	نگرش شناختی	نگرش عاطفی	نگرش رفتاری	هنجار ذهنی	کنترل رفتاری ادراک‌شده	تمایل رفتاری
شاخص ۱ از سازه ۱	./۷۳۲	./۳۰۴	./۲۱۵	./۲۸۵	./۱۱۷	./۲۳۳
شاخص ۲ از سازه ۱	./۵۴۰	./۳۶۸	./۱۶۳	./۰۶۹	./۱۸۹	./۲۰۲
شاخص ۳ از سازه ۱	./۸۴۳	./۴۴۱	./۳۹۵	./۲۸۷	./۲۳۴	./۳۱۷
شاخص ۴ از سازه ۱	./۸۲۵	./۴۹۶	./۴۳۹	./۳۱۶	./۱۹۵	./۲۶۹
شاخص ۵ از سازه ۲	./۴۷۴	./۷۴۶	./۳۰۵	./۲۳۲	./۲۱۴	./۲۸۰
شاخص ۶ از سازه ۲	./۳۷۸	./۷۹۶	./۳۳۸	./۱۹۵	./۱۴۶	./۲۴۷
شاخص ۷ از سازه ۲	./۳۷۳	./۸۴۲	./۲۸۰	./۲۱۳	./۱۶۰	./۲۵۵
شاخص ۸ از سازه ۲	./۵۵۰	./۷۲۵	./۳۸۷	./۲۹۶	./۲۲۸	./۳۲۷
شاخص ۹ از سازه ۲	./۳۵۱	./۷۳۲	./۳۱۰	./۲۳۹	./۱۷۳	./۲۶۵
شاخص ۱۰ از سازه ۲	./۳۶۸	./۷۸۳	./۲۲۵	./۱۶۸	./۱۱۸	./۲۲۴
شاخص ۱۱ از سازه ۳	./۳۵۲	./۳۳۷	./۸۳۵	./۴۲۶	./۴۶۰	./۵۰۰
شاخص ۱۲ از سازه ۳	./۳۱۸	./۲۴۳	./۸۴۴	./۴۹۹	./۳۹۱	./۴۲۴
شاخص ۱۳ از سازه ۳	./۲۹۳	./۳۸۷	./۷۰۵	./۳۳۳	./۳۳۶	./۴۹۰
شاخص ۱۴ از سازه ۳	./۳۷۷	./۲۹۴	./۷۳۹	./۴۷۸	./۳۴۳	./۳۶۷
شاخص ۱۵ از سازه ۴	./۳۲۲	./۲۹۷	./۳۵۴	./۷۶۹	./۲۱۸	./۴۱۲
شاخص ۱۶ از سازه ۴	./۲۲۹	./۲۴۱	./۴۰۷	./۷۶۱	./۳۰۴	./۴۲۰
شاخص ۱۸ از سازه ۴	./۱۵۵	./۰۰۸	./۳۹۷	./۶۲۷	./۱۷۱	./۳۳۹
شاخص ۱۹ از سازه ۴	./۲۶۲	./۲۶۴	./۴۵۵	./۷۴۹	./۴۳۴	./۵۲۳
شاخص ۲۰ از سازه ۵	./۱۰۸	./۱۶۵	./۳۳۰	./۲۹۹	./۶۷۱	./۳۷۲
شاخص ۲۱ از سازه ۵	./۲۶۲	./۱۸۷	./۳۱۳	./۲۵۹	./۷۹۱	./۴۶۶
شاخص ۲۳ از سازه ۵	./۱۹۳	./۱۷۹	./۴۳۲	./۳۶۵	./۸۶۶	./۵۶۶
شاخص ۲۴ از سازه ۵	./۲۲۲	./۲۰۲	./۴۸۰	./۳۷۰	./۸۷۱	./۵۸۰
شاخص ۲۵ از سازه ۶	./۳۴۱	./۳۵۵	./۴۶۰	./۵۵۴	./۴۷۹	./۸۱۱
شاخص ۲۶ از سازه ۶	./۲۶۵	./۲۸۷	./۴۹۸	./۴۹۸	./۵۶۱	./۸۹۲
شاخص ۲۷ از سازه ۶	./۲۷۲	./۲۳۶	./۴۶۸	./۴۹۸	./۵۷۵	./۸۹۶
شاخص ۲۸ از سازه ۶	./۳۲۶	./۳۳۳	./۵۵۳	./۵۰۹	./۵۶۳	./۸۷۶

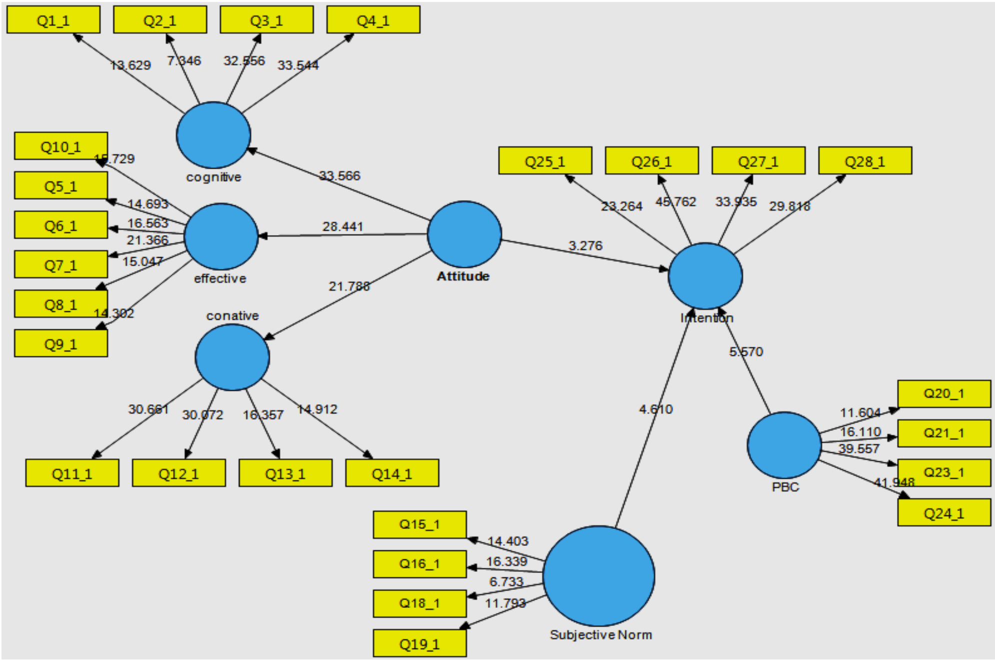
چنانکه در جدول فوق مشاهده می‌شود تمامی شاخص‌های شناسایی شده ارتباط و همبستگی قوی‌ای با سازه‌ی خود دارند. بنابراین روایی واگرای سازه‌ها تأیید می‌شود.

مدل‌های ساختاری

در بخش ساختاری مقادیر مرتبط با سازه‌های مستقل و وابسته ارائه می‌گردد.

ضرایب معنی‌داری z

معیار اول از بررسی برازش مدل ساختاری ضرایب معنی‌داری zاست. مطابق با شکل (۳) ضرایب معنی‌داری در مسیرهای مختلف و میان متغیرهای برون‌زا (مستقل) و درون‌زای (وابسته) مدل ترسیم شده است.

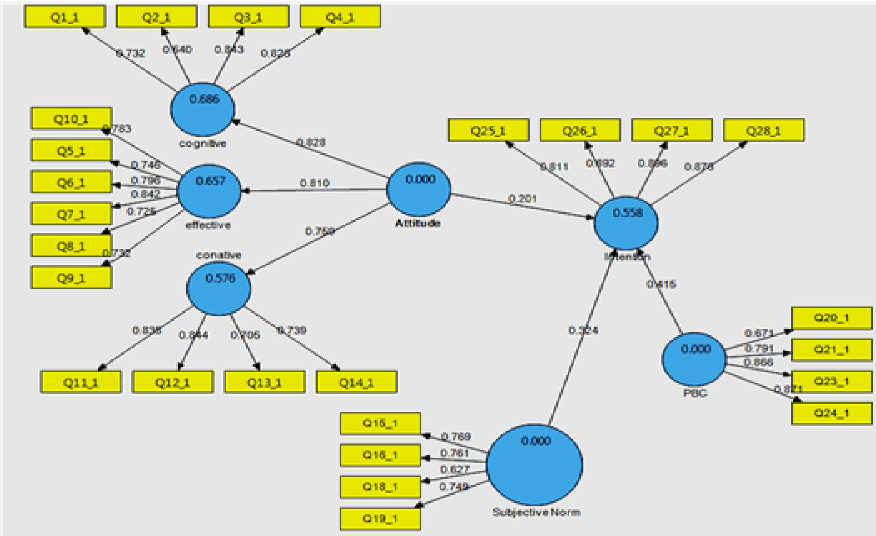


شکل ۳. مدل ترسیم‌شده پژوهش همراه با مقادیر Z

هنگامی‌که رابطه‌ی بین سازه‌ها از مقدار ۱/۹۶ بیشتر باشد نشان از صحت رابطه‌ی میان سازه‌ها دارد. در شکل (۳) تمامی مسیرهای مدل دارای ضریب z بالا است. مقدار ضریب z یا همان T-values برای مسیر میان نگرش با تمایل رفتاری ۳/۲۷۶ است که در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی‌دار می‌باشد. بنابراین فرض وجود رابطه بین متغیر مستقل و وابسته در فرضیه اول تأیید می‌گردد. همچنین، این مقدار برای مسیر میان هنجار ذهنی و کنترل رفتاری ادراک‌شده با تمایل رفتاری به ترتیب برابر با ۴/۶۱۰ و ۵/۵۷۰ است که در سطح اطمینان ۹۹/۹ درصد معنی‌داری خود را نشان می‌دهند. به عبارتی فرض وجود رابطه بین متغیر مستقل و وابسته در فرضیه‌های دوم و سوم نیز تأیید می‌شود. همچنین میان مؤلفه‌های نگرش (شناختی، عاطفی و رفتاری) با خود سازه‌ی نگرش کل نیز سطوح معنی‌داری بسیار بالایی دارند و نشان می‌دهد که این ۳ مؤلفه توانسته‌اند رابطه‌ی خود را با سازه‌ی نگرش کل به خوبی نشان دهند. بنابراین هر سه رابطه‌ی متغیر مستقل یعنی نگرش کل، هنجارذهنی و کنترل رفتاری ادراک-شده به لحاظ آماری با تمایل رفتاری تأیید می‌شوند.

معیار R Squares یا R^2

با توجه به اینکه مقدار R^2 یا همان ضریب تعیین، ضریبی است که میزان اثرگذاری متغیر برون‌زا را بر متغیر درون‌زا بررسی می‌کند، بنابراین این مقدار برای متغیرهای برون‌زا صفر است و تنها برای متغیرهای درون‌زای مدل گزارش می‌شود. از این رو به بررسی میزان اثرگذاری یا تبیین هریک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته که همان تمایل رفتاری است پرداخته می‌شود. متغیرهای برون‌زا در مدل زیر نگرش کل و متغیر درون‌زا تمایل رفتاری است.



شکل ٤. مقدار R^2 تمایل رفتاری

چنانکه در شکل (۴) مشاهده می‌شود میزان ضریب مسیر نگرش، هنجارذهنی و کنترل رفتار ادراک شده به تمایل رفتاری به ترتیب برابر با ۲۰۱/. ، ۳۲۴/. و ۴۱۵/. است و بدین معنی است که نگرش کلی پاسخ‌دهندگان به میزان ۲۰ درصد و هنجار ذهنی پاسخ دهندگان به میزان ۳۲ درصد و کنترل رفتارادراک شده آن‌ها به میزان ۴۱ درصد توانسته است به صورت مستقیم بر تمایل رفتاری‌شان اثر بگذارد و باقی‌مانده برگرفته از سایر عواملی است که به صورت غیرمستقیم بر تمایل رفتاری‌شان اثرمی‌گذارد. اما میزان این تغییرپذیری برابر با۵۵۸/. (مقدار ضریب تعیین سازه تمایل‌رفتاری) می‌باشد. یعنی، تمایل رفتاری با توجه به معیارهای اثرگذار نگرش، هنجارذهنی و کنترل رفتارادراک-شده ۵۵ درصد از این تغییرپذیری را تبیین نموده است و تنها به همین مقدار می‌توان تکیه کرد. بنابراین فرضیه‌های تحقیق تأیید می‌شود.

با توجه به مطالب بالا، می‌توان چنین عنوان نمود که مقادیر R^2 همگی نزدیک به برازش متوسط به سوی قوی دارد. به عبارت دیگر مقادیر ضریب تعیین نشان دادند که برازش بخش ساختاری مدل در سطح متوسط رو به بالا می‌باشد چرا که به هنگام بررسی تمامی سازه‌ها با یکدیگر این میزان با توجه به شکل (۴) برابر با ۵۵۸/. می‌باشد و بدین معنی است که هر سه سازه به طور همزمان توانسته‌اند بیش از ۵۰ درصد سازه‌ی تمایل رفتاری را تبیین نمایند که بیانگر برازش نسبتاً قوی مدل می‌باشد.

معیار اندازه‌ی تأثیر (f^2)

معیار اندازه‌ی تأثیر در مدل‌هایی کاربرد دارد که متغیرهای درونزایی داشته باشند که بیش از یک متغیر برون‌زا بر آن‌ها تأثیرگذار باشد. مدل پژوهش حاضر از این شرط برخوردار بوده و باید معیار اندازه تأثیر یا f^2 بررسی شود. بدین‌منظور ابتدا مسیرهایی را که باید اندازه‌ی تأثیر محاسبه شود بر اساس مدل مشخص و به نوبت R^2ها متغیر y استخراج و برحسب رابطه ذکرشده مقدار f^2 محاسبه می‌شود.

مقادیر R^2 برای متغیر تمایل‌رفتاری به‌نوبت برای تک تک متغیرهای برون‌زا محاسبه و در رابطه جای‌گذاری شده و در این قسمت تنها مقدار f^2 ذکر می‌شود. مسیرهای اندازه‌ی تأثیر بدین‌ترتیب مشخص شد: نگرش به تمایل‌رفتاری: ۰۶/. ، هنجار ذهنی به تمایل‌رفتاری: ۱۷/.، کنترل رفتاری ادراک‌شده به تمایل رفتاری: ۲۹/. همان‌طور مشخص شد، این معیار شدت رابطه‌ی میان سازه‌های مدل را تعیین می‌کند. بنابراین طبق نتایجی که در بالا ذکر شده، رابطه‌ی میان نگرش با تمایل رفتاری با اندازه‌ی تأثیر ۰۶/. نشان از تأثیر نسبتاً متوسط را دارد. هنجارذهنی به تمایل رفتاری با ۱۷/. اندازه‌ی تأثیر متوسط به بالا و کنترل رفتاری ادراک‌شده به تمایل رفتاری با اندازه‌ی تأثیر ۲۹/. نشان از تأثیر نسبتاً بزرگ را بر سازه‌ی برون‌زای مدل دارد که بیشترین مقدار تأثیرگذاری است.

معیار Q^2

این معیار قدرت پیش‌بینی مدل را مشخص می‌سازد. هدف از انجام این کار تعیین این مطلب است که آیا روابط بین سازه‌های درون‌زای مدل به‌خوبی تبیین شده است یا خیر که در غیر این صورت مدل نیاز به اصلاح دارد. منطق این معیار بر آن است که مدل‌هایی که دارای بخش ساختاری قابل‌قبولی هستند، باید قابلیت پیش‌بینی شاخص‌های مربوط به سازه‌های درون‌زای مدل را داشته باشند. مقادیر Q^2 (ستون 1-SEE/SSO) در جدول (۳) ارائه شده است.

1-SEE: جمع مربع مقادیر خطا در پیش‌بینی شاخص‌های سازه‌ی درون‌زا.

SSO: جمع مقادیر مربع مربوط به شاخص‌ها.

جدول ۳. قدرت پیش‌بین مدل، مقادیر Q^2

سازه	SSO	SSE	1-SSE/SSO
تمایل رفتاری	۷۸۸	۴۵۶/۱۴	/۴۲
نگرش شناختی	۷۸۸	۴۹۴/۲۲	/۳۷
نگرش عاطفی	۱۱۸۲	۷۲۸/۱۸	/۳۸
نگرش رفتاری	۷۸۸	۵۱۰/۸۶	/۳۵

همان‌طور که در جدول (۳) مشاهده می‌شود تمامی متغیرها در میزانی بالاتر از /۳۵ هستند و نشانگر قدرت پیش‌بینی قوی درقبال سازه و مدل را دارند. به عبارت دیگر،Q2 که نماد قدرت پیش‌بینی مدل است با توجه به مقادیر ارائه‌شده در جدول فوق قوی بودن خود را در خصوص مدل پژوهش بیان می‌دارد.

معیار Redundancy

این معیار نشان‌دهنده‌ی مقدار تغییرپذیری شاخص‌های یک سازه‌ی درون‌زاست که از یک یا چند سازه‌ی برون‌زا تأثیر می‌پذیرد و از حاصل‌ضرب مقادیر اشتراکی یک سازه‌ی درون‌زا در مقدار R^2 مربوط به آن به دست می‌آید. در این مدل با توجه به این‌که متغیرهای درون‌زا وجود دارد تمامی مقادیر اشتراکی آن‌ها به نوبت در مقادیر R^2 مربوط به سازه‌ی خود ضرب و محاسبه می‌شود. مقادیر Red در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول ٤. مقادیر Red برای سازه‌های درون‌زا

معیار Redundancy	مقادیر اشتراکی	R^2	مقدار Red
Redcognitive	/۵۵۴	/۸۲۸	/۴۹
Redeffective	/۵۹۶	/۶۵۷	/۳۹
Redconative	/۶۱۳	/۵۷۶	/۳۵
Redintention	/۷۵۶	/۵۵۸	/۴۲

یک معیار مناسب برای سنجش برازش بخش ساختاری مدل‌های معادلات ساختاری، مقدار میانگین Redundancyهای مربوط به سازه‌های برون‌زا در یک مدل است. این معیار که با $\overline{\text{Red}}$ نمایش داده می‌شود، از میانگین مقادیر Redundancyهای مربوط به سازه‌های برون‌زا در یک مدل حاصل می‌شود. بدین منظور تمامی مقادیر Red را با هم جمع و بر تعداد تقسیم می‌شود تا مقدار $\overline{\text{Red}}$ به دست آید. در این‌جا مقدار $\overline{\text{Red}}$ برابر است با : /۴۱. که هرچه این مقدار بیشتر باشد نشان از برازش مناسب‌تر بخش ساختاری مدل در یک پژوهش دارد و از آن‌جایی که مقدار $\overline{\text{Red}}$ از سطح قابل‌قبولی برخوردار است، بنابراین مدل در بخش ساختاری دارای برازش مناسبی است.

برازش مدل

معیار GoF

برای بررسی برازش مدل کلی که هر دو بخش مدل اندازه‌گیری و ساختاری را کنترل می‌کند، از معیار GoF استفاده می‌شود. باید توجه داشت که نبایستی در این مدل مقادیر اشتراکی مربوط به متغیر مرتبه‌ی دوم نگرش کل را در محاسبه‌ی $\overline{\text{Communalities}}$ دخیل نمود (بدین علت که در محاسبه‌ی برازش مدل کلی متغیرهای پنهان مرتبه‌ی دوم در اینجا یعنی نگرش کلی؛ دخالت داده نمی‌شوند). بدین‌منظور، ضرایب $\overline{\text{Communalities}}$ و $\overline{R^2}$ بایکدیگر جمع و بر تعداد تقسیم می‌شود. پس از آن‌که میانگین هر دو مورد به دست آمد با استفاده از رابطه زیر برازش کلی مدل تحت عنوان معیار GoF محاسبه می‌گردد.

بنابراین مقادیر اشتراکی مربوط به نگرش شناختی (/۵۵۴)،نگرش عاطفی (/۵۹۶)، نگرش رفتاری(/۶۱۳)، هنجار ذهنی(/۵۳۱)، کنترل‌رفتاری‌ادراک‌شده (/۶۴۶) و تمایل‌رفتاری (/۷۵۶) بایکدیگر جمع و میانگین آن ارائه می‌شود.

$\overline{\text{Communalities}}$ =/۶۱۶

$\overline{R^2}$ = /۶۵۵

پس از حاصل‌ضرب ۶۱۶/. در ۶۵۵/. در رادیکال، مقدار ۵۱۴/. برای معیار GoF محاسبه شد و با توجه به سه مقدار ۰۱/.، ۲۵/. و ۳۵/. به-عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GoF، حاصل‌شدن ۵۱۴/. نشان از برازش کلی قوی مدل دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

در ابتدا درمورد فرضیه‌های پژوهش بر اساس یافته‌های تحقیق نکاتی بیان می‌شود و سپس به بحث درباره‌ی آنان پرداخته خواهد شد.

فرضیه اول: نگرش مردم بر تمایل رفتاری‌شان نسبت به سنت وقف تأثیر معنی‌داری دارد.

با توجه به یافته‌های پژوهش، مقدار ضریب مسیر نگرش کلی به تمایل رفتاری به صورت مجزا برابر با ۵۳۳/. است که نشان می‌دهد نگرش کلی شهروندان به مقوله‌ی وقف معنی‌دار است و به صورت مستقیم نگرش کلی به میزان ۵۳ درصد می‌تواند بر تمایل‌رفتاری شهروندان در قبال وقف مؤثر باشد. اما این ضریب در مدل رفتار برنامه‌ریزی‌شده هنگامی که نگرش هم‌زمان با سایر متغیرها موردسنجش قرار می‌گیرد برابر با ۲۰۱/. است و به میزان ۳۳ درصد کاهش را نشان می‌دهد. با این وجود، میزان تغییراتی که نگرش توانسته به همراه هنجار ذهنی و کنترل رفتاری ادارک‌شده بر تمایل رفتاری ایجاد کند برابر با میزان ضریب تعیین ۵۵۸/. است. به عبارت دیگر نگرش در مدل توانسته است به کمک سایر عوامل نزدیک به ۵۶ درصد تغییرات ایجادشده در تمایل رفتاری شهروندان را تبیین نماید. در حالی که این مقدار برای متغیر نگرش در حالت جداگانه برابر با ۲۸۴/. یا همان ۲۸ درصد است. از سوی دیگر میزان آماره‌ی t برابر با ۳/۲۷۶ است که نشان از صحت وجود رابطه و اثرگذاری متغیر نگرش کلی به تمایل رفتاری شهروندان نسبت به امر وقف دارد. از این رو و با توجه به یافته‌های پژوهش این فرضیه تأیید می‌شود و می‌توان ادعا نمود که شهروندان منطقه ثامن به لحاظ نگرشی، رویکرد مثبتی به سنت وقف دارند اما میزان این اثرگذاری می‌تواند متفاوت باشد یا به عبارت دیگر دچار شدت و ضعف است.

با وجود اینکه شهروندان منطقه‌ی ثامن نگرشی مثبت به سنت وقف دارند اما میزان تمایل رفتاری‌شان پایین است و این مطلب از مقدار تغییراتی که نگرش کل به عنوان متغیر مستقل (برون‌زا) بر تمایل رفتاری به عنوان متغیر وابسته (درون‌زا) می‌گذارد استنباط می‌شود. به عبارت دیگر، صرف حضور نگرش مثبت به سنت وقف نتوانسته است ثأثیری شگرف بر تمایل رفتاری شهروندان نسبت به سنت وقف بگذارد. هرچند یافته‌ها نشان دادند که سه مؤلفه‌ی نگرش به ترتیب شناختی با ضریب تعیین ۶۸۶/.، عاطفی ۶۵۷/. و رفتاری با ۵۷۶/. توانسته‌اند به میزان بالایی شاخص‌ها و سازه‌ی تشکیل‌دهنده‌ی خود (نگرش کلی به وقف) را به خوبی تبیین نمایند، اما نتوانسته‌اند اثرگذاری بسیار بالایی را بر مقوله‌ی تمایل رفتاری به وقف ایجاد کنند. یعنی مواردی از قبیل «وقف موجب کاهش فقر»، «وقف یک نهاد مدنی برگرفته از معارف و فرهنگ اسلامی»، «وقف پشتوانه‌ی نیرومند برای تأمین زندگی مردم کم‌درآمد» و همچنین «مؤثر در توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ساماندهی به مسایل و مشکلات جامعه» که در ارتباط با سنجش نگرش شناختی مطرح شده بودند، به خوبی نگرش شناختی شهروندان به سنت حسنه وقف را توجیه می‌کنند و این موارد به میزان ۶۸ درصد تغییرات ایجادشده در نگرش شناختی شهروندان نسبت به وقف را توضیح می‌دهند و نشان می‌دهند که شهروندان منطقه‌ی ثامن از نگرش شناختی خوبی در قبال وقف برخوردار هستند. همچنین، آنان نیز به میزان ۶۶ درصد دارای نگرش عاطفی مثبتی نسبت به وقف هستند. یعنی مواردی از قبیل «عمل به وقف موجب برکت به زندگی»، «وقف عملی خداپسندانه»، «دارای پاداش نیک دنیوی و اخروی»، «وقف موجب شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی»، «وقف موجب نشاط روحی» و نیز «وقف موجب رضایت خداوند می‌گردد» توانسته‌اند نگرش احساسی یا عاطفی شهروندان به وقف را به خوبی بیان کنند و تبیین-کننده‌ی نگرش عاطفی شهروندان به وقف باشند. علاوه بر این، نگرش رفتاری شهروندان به میزان ۵۸ درصد تبیین‌کننده‌ی مواردی از قبیل «مطالعه و یا شرکت در برنامه‌ای با موضوع وقف»، «بیان مطالب مفید درباره‌ی وقف به دوستان و آشنایان»، «تمایل به دریافت آگاهی‌های بیشتر درخصوص وقف» و همچنین «بیان نکات مثبت درمورد وقف به سایرین» می‌باشد؛ که نسبت به دو بعد دیگر کمتر است.

اگر نگرش، ساماندهی بلندمدت فرآیندهای انگیزشی، احساسی، ادراکی، و شناختی با توجه به برخی جنبه‌های محیطی که فرد در آن قرار گرفته است تفسیر شود؛ دلیل پایین بودن تمایل رفتاری شهروندان را می‌توان عوامل غیر مستقیمی از جمله عوامل محیطی (مانند نبود روحیه‌ی جمعی برای شرکت در وقف، فرآیند سازمانی وقف، عدم وجود اجتماعات محلی در مورد وقف، ساختارهای درآمدی که خود می‌تواند به عنوان عاملی بازدارنده برای حضور عملی در وقف ایجاد گردد و غیره) دانست که با وجود داشتن نگرش مثبت درباره‌ی وقف در هر سه بعد نگرشی، روحیه‌ی پایینی برای حضور و تمایل جدی ایشان شاهد هستیم. بر همین اساس، نگرش یک فرد بیانگر شیوه‌ی تفکر، احساس و واکنش‌هایی است که وی نسبت به محیط اطراف خود - مثلاً نسبت به وقف مورد علاقه خود- دارد. البته این نکته را باید مدنظر داشت که نگرش‌ها به افراد در پذیرش دیدگاه مشخصی از جهانی که در آن قرار گرفته‌اند، کمک می‌کند و فرد، گروه و جامعه می‌دانند که کجا هستند و چه می‌کنند. همچنین

نگرش‌ها، اندیشیدن درمورد مسایل و موضوعات را به صورت یک الگوی منسجم درونی تسهیل می‌کنند و به افراد اجازه می‌دهند که با ارزشیابی کلیه محرک‌ها در مقابل آن‌ها واکنش صحیح و یا دلخواه نشان دهند و چه بسا شکافی که در این باره وجود دارد همان عوامل غیرمستقیمی است که بایستی شناسایی شوند تا با تبیین و دقت بیشتر بتوان موضوعاتی نظیر مقوله‌ی نگرش به وقف را موردبررسی قرار داد.

فرضیه دوم: هنجارهای ذهنی مردم بر تمایل رفتاری‌شان نسبت به سنت وقف تأثیر معنی‌داری دارد.

ضریب مسیر میان هنجار ذهنی و تمایل رفتاری به صورت مجزا برابر با ۵۹۴/. است و بیانگر این مطلب است که هنجار ذهنی شهروندان به مقوله‌ی وقف معنی‌دار بوده و به صورت مستقیم به میزان ۵۹ درصد می‌تواند بر تمایل رفتاری ایشان در قبال وقف اثر بگذارد. اما این ضریب در مدل رفتار برنامه‌ریزی‌شده هنگامی که هنجار ذهنی هم-زمان با سایر متغیرها موردسنجش قرار می‌گیرد برابر با ۳۲۴/. است و ۳۷ درصد کاهش را نشان می‌دهد. با این وجود، میزان تغییراتی که هنجار ذهنی توانسته به همراه نگرش کلی و کنترل رفتاری ادارک-شده بر تمایل رفتاری ایجاد کند برابر با میزان ضریب تعیین ۵۵۸/. است. به عبارت دیگر در مدل، هنجار ذهنی به کمک سایر عوامل توانسته است نزدیک به ۵۶ درصد تغییرات ایجادشده در تمایل رفتاری شهروندان را تبیین نماید. در حالی که این مقدار برای متغیر هنجار ذهنی در حالت جداگانه برابر با ۳۵۳/. یا همان ۳۵ درصد می‌باشد. از سوی دیگر میزان آماره‌ی t برابر با ۴/۶۱۰ است که نشان از صحت وجود رابطه و اثرگذاری متغیر هنجار ذهنی بر تمایل رفتاری شهروندان نسبت به سنت حسنه وقف دارد. از این رو و با توجه به یافته‌های پژوهش این فرضیه تأیید می‌شود و می‌توان ادعا نمود که شهروندان منطقه ثامن به لحاظ متغیر هنجار ذهنی و شاخص‌های مورد سؤال آن دارای رویکرد مثبت در مقوله‌ی وقف هستند.

هنجارهای ذهنی به فشار اجتماعی درک‌شده توسط فرد برای انجام یا عدم انجام رفتار هدف (تمایل به کنش عملی وقف) اشاره دارد. افراد غالباً بر مبنای ادراکشان از آنچه که دیگران فکر می‌کنند، عمل می-کنند و قصد آن‌ها جهت پذیرش رفتار به صورت بالقوه، متأثر از افرادی است که ارتباطات نزدیکی با آن‌ها دارند. هنجار ذهنی فرد، حاصل ضرب باورهای هنجاری در انگیزه پیروی برای انجام رفتار هدف با وجود این انتظارات است؛ در این صورت اگر فرد چه درست و چه غلط، معتقد باشد که گروه‌های فشار، عمل به سنت وقف را تأیید می‌کنند، فشار زیادی را در عمل به وقف در خود احساس می‌کند. چنان‌که از یافته‌های پژوهش برمی‌آید، شاخص‌هایی از قبیل «موافقت افراد مهم در زندگی برای شرکت در وقف»، «تشویق همسر به حضور در وقف»، «تأیید همکاران برای مشارکت در وقف» و «نقش مؤثر خانواده برای داشتن برنامه‌ی وقف» از جمله مواردی هستند که در خصوص هنجار ذهنی دارای تناسب بیشتری بوده و توانسته‌اند متغیر هنجار ذهنی نسبت به وقف را بهتر بیان کنند. با توجه به اینکه هنجار ذهنی نوعی فشار اجتماعی از سوی منابع و گروه‌های فشار -که به طور طبیعی برای هر فردی متفاوت از دیگری است- می‌باشد ممکن است اثرگذاری این منابع نیز متفاوت باشد. چرا که، هنجار ذهنی مفهومی است که باعث انگیزش شهروندان منطقه‌ی ثامن برای انجام یا پذیرش رفتار و یا کنش وقف می‌شود. به بیان دیگر، این احتمال وجود دارد که علی‌رغم داشتن اثرگذاری این شاخص‌ها و پذیرش آنان از سوی شهروندان، انگیزه‌ی لازم برای مشارکت بیشتر و مؤثرتر در وقف وجود نداشته باشد که موجب پایین بودن شدت آن بر تمایل رفتاری است.

یک فرد در شبکه اجتماعی خود از اشخاص متعددی تأثیر می-پذیرد؛گویای این مطلب است که اشخاص پیرامون یک فرد اعم از پدر، مادر، رهبران مذهبی، رهبران سیاسی و غیره همگی در نظریات و رفتارهای او تأثیر دارند. ممکن است بعضی از مردم از شخص بخواهند کاری را انجام دهد مانند عمل به سنت وقف و در مقابل برخی دیگر نیز از او بخواهند که آن کار را انجام ندهد. در این حالت شخص مجبور است فشارهای متضاد از طرف افراد مختلف را متعادل سازد که ممکن است برخی موافق و برخی نیز مخالف خواسته او باشند و احتمالاً نوع عملکرد وی به میزان زیادی به خواسته‌های افرادی که نفوذ زیادی دارند ـ یعنی برای شخص افراد مهمی هستند ـ بستگی خواهد داشت. در این صورت، یا دارای تمایل رفتاری درمورد عمل به وقف می‌باشد یا نمی‌باشد و نیز این تمایل دارای شدت بالایی است یا ضریب تأثیر متوسط یا پایینی دارد. در هر حال به لحاظ نظری، یافته‌های پژوهش صحت رابطه‌ای که ممکن است میان هنجار ذهنی و تمایل رفتاری شهروندان نسبت به سنت حسنه وقف وجود داشته باشد را تأیید می‌کند. اما این تأیید ملاک اثرگذاری ۱۰۰ درصدی نیست، چنان که مشاهده می‌شود هنجار ذهنی هم‌زمان با نگرش و کنترل رفتاری ادارک‌شده تنها ۳۲ درصد بر تمایل رفتاری به صورت مستقیم اثرگذار بوده است و ۶۸ درصد دیگر به صورت غیرمستقیم می‌باشد که ضروری است سایر عواملی که می‌تواند هنجار ذهنی افراد را نسبت به کنش وقف دچار تغییر و تأثیر نماید شناسایی شوند.

فرضیه سوم: کنترل رفتاری ادراک‌شده توسط مردم بر تمایل رفتاری‌شان نسبت به سنت وقف تأثیر معنی‌داری دارد.

براساس یافته‌های پژوهش، ضریب مسیر میان کنترل رفتاری ادارک-شده و تمایل رفتاری به صورت مجزا برابر با ۶۲۸/. است و حاکی از این است که کنترل رفتاری ادارک‌شده شهروندان به موضوع وقف

معنی‌دار بوده و به صورت مستقیم می‌تواند به میزان ۶۳ درصد تمایل رفتاری شهروندان را در قبال وقف تحت تأثیر قرار دهد. اما در مدل رفتار برنامه‌ریزی‌شده هنگامی که کنترل رفتاری ادارک‌شده هم‌زمان با سایر متغیرها موردسنجش قرار می‌گیرد این ضریب برابر با ۴۱۵/. است و میزان ۲۱ درصد کاهش را نشان می‌دهد. با این وجود، میزان تغییراتی که کنترل رفتاری ادارک‌شده به همراه نگرش کلی و هنجار ذهنی توانسته بر تمایل رفتاری ایجاد کند برابر با میزان ضریب تعیین ۵۵۸/. است. به عبارت دیگر کنترل رفتاری ادارک‌شده به کمک سایر عوامل در مدل توانسته است نزدیک به ۵۶ درصد تغییرات ایجادشده در تمایل رفتاری شهروندان را تبیین نماید. در حالی که این مقدار برای متغیر کنترل رفتاری ادارک‌شده در حالت جداگانه برابر با ۳۹۵/. یا به طور تقریبی ۴۰ درصد می‌باشد. از سوی دیگر آماره‌ی **t** برابر با ۵/۵۷۰ است که نشان از صحت وجود رابطه و اثرگذاری متغیر کنترل رفتاری ادارک‌شده بر تمایل رفتاری شهروندان نسبت به سنت وقف دارد. از این رو و با توجه به یافته‌های پژوهش این فرضیه تأیید می‌شود و می‌توان ادعا نمود که شهروندان منطقه ثامن به لحاظ متغیر کنترل رفتاری ادارک‌شده و شاخص‌های مورد سؤال آن دارای اثری مثبت بر مقوله‌ی وقف می‌باشند.

کنترل رفتاری ادراک‌شده، نشان می‌دهد که انگیزه‌ی یک فرد به وسیله درک او از میزان دشواری رفتارها و میزان موفقیت وی در انجام یا عدم انجام یک رفتار، تحت تأثیر قرار می‌گیرد. اگر شخص اعتقادات قوی کنترلی درباره وجود عوامل تسهیل‌کننده یک رفتار داشته باشد، کنترل درک شده بالایی بر روی آن رفتار خواهد داشت. برعکس اگر شخص اعتقادات کنترلی قوی نداشته باشد، درک پایینی از کنترل خواهد داشت که مانع بروز رفتار می‌شود. این درک می‌تواند مربوط به تجارب گذشته، پیش‌بینی وقایع آینده و نگرش‌های متأثر از هنجارهای محیط اطراف فرد باشد. با این وجود، کنترل رفتاری ادراک‌شده نشان می‌دهد که تا چه اندازه یک شهروند احساس می‌کند انجام یا عدم انجام کنش وقف تحت کنترل ارادی وی قرار دارد. بنابراین شاخص‌هایی مانند «داشتن اختیار لازم برای انجام وقف»، «داشتن توانایی لازم برای انجام وقف»، «در اختیار داشتن منابع لازم برای شرکت در وقف» و نیز«مهیا بودن امکانات و فرصت‌های لازم برای عمل به وقف» مواردی هستند که در این پژوهش در سنجش کنترل رفتاری ادراک‌شده شهروندان درباره‌ی عمل به وقف مورد سؤال واقع شدند و از سازگاری مناسبی برای سنجش آن برخوردار بودند. البته بایستی به این نکته توجه نمود که کنترل رفتاری ادراک‌شده درمیان متغیرهای اثرگذار بر تمایل رفتاری، بالاترین میزان اثرگذاری و ضریب تعیین جداگانه را دارا بوده است. یعنی با وجود اینکه یافته‌های پژوهش ضریب بالایی از اثرگذاری همزمان نگرش و هنجار ذهنی شهروندان بر تمایل رفتاری نسبت به وقف نشان ندادند، کنترل رفتاری ادراک‌شده توانسته است به صورت مستقیم به میزان ۴۲ درصد تمایل رفتاری را تحت تأثیر قرار دهد. اما نکته‌ی حائز اهمیت این است که تمایل رفتاری با توجه به شاخص‌های مورد سؤال خود از قبیل «داشتن قصد شرکت در برنامه‌ی وقف در آینده»، «تلاش برای ایجاد فرصتی به منظور حضور در وقف تا سال آینده»، «تصمیم به سامان دادن به برنامه‌های وقف خود» و نیز همچنین «شرکت در وقف در آینده نزدیک»، به واسطه‌ی اثرگذاری هر سه عامل یعنی نگرش کلی، هنجار ذهنی و کنترل رفتاری ادراک‌شده توانسته بود تبیین کنندگی بالایی را از خود به نمایش بگذارد و نقطه عطف آن این است که شهروندان منطقه‌ی ثامن به میزان ۵۶ درصد برای حضور مؤثر در برنامه‌های وقف تمایل رفتاری خود را اعلام کرده اند. به طورکلی، در تئوری رفتار برنامه‌ریزی‌شده قبل از ایجاد سریع رفتار، می‌بایست به قصدها یا همان تمایلات رفتاری افراد توجه نمود. این عقیده وجود دارد که هر چه قصد یک فرد برای انجام یک عمل خاص قو ی‌تر باشد، موفقیت بیشتری را در آن می‌توان انتظار داشت. قصدها، عملکرد خاموش عقاید و یا اطلاعات هستند و مشخص می‌کنند که آیا انجام یک رفتار خاص، منجر به نتیجه خاص خواهد شد یا خیر. البته قصدها یا تمایلات رفتاری می‌توانند در طول زمان دستخوش تغییراتی شوند. هر چه فاصله زمانی بین قصد و رفتار طولانی‌تر شود احتمال بیشتری وجود دارد که وقایع پیش‌بینی‌نشده، تغییراتی در تمایلات رفتاری افراد ایجاد نماید.

یافته‌های پژوهش‌های گوناگون بر تأثیر متغیرهای مدل رفتار برنامه‌ریزی‌شده بر تمایل رفتاری حکایت دارند اما در پژوهش‌های مختلف این اثرگذاری دارای شدت و ضعف است و گاهاً متغیری بر متغیر دیگر اثرگذاری بیشتری را حکایت می‌کند. چنانکه در این پژوهش متغیر کنترل رفتاری ادارک‌شده بیشترین قدرت پیش‌بینی را برای تمایل رفتاری شهروندان در قبال مقوله‌ی وقف از خود نشان داده است. پس از آن، هنجار ذهنی و نگرش کل بیشترین نقش‌آفرینی را بر تمایل رفتاری شهروندان در خصوص وقف نشان داده اند. بنابراین با اتکاء بر پژوهش‌های پیشین می‌توان چنین ادعا نمود که مدل رفتار برنامه‌ریزی‌شده می‌تواند کنش‌های شهروندان منطقه‌ی ثامن را درباره‌ی عمل به وقف تبیین نماید و این میزان را نشان دهد.

پیشنهادهای تحقیق

نگرش فعلی شهروندان منطقه‌ی ثامن مشهد نسبت به سنت حسنه وقف چندان بالا به نظر نمی رسد. هرچند به لحاظ آماری اثرگذاری آن بر تمایل رفتاری تأیید شده است اما نیاز به تقویت دارد. به این معنا که شایسته است مدیران و متولیان امر وقف آگاهانه به فرهنگ‌سازی در این زمینه پرداخته و ارزش‌ها و باورهای دینی و مذهبی را تقویت نمایند، تا مردم نسبت به نمود عملی فرهنگ

اسلامی ـ دینی خود و مشارکت فعالانه در امور عام‌المنفعه و خداپسندانه اقدام نمایند. افزایش آگاهی‌بخشی درخصوص وقف و موضوعات وابسته از طریق برگزاری برنامه‌ها، نشست‌ها، تبلیغات رسانه‌ای در سطح منطقه و محلات برای ساکنان منطقه‌ی ثامن به منظور ارتقای سطح نگرش شناختی ایشان و آگاهی دادن به آنان درباره‌ی آثار و برکات این سنت حسنه در سطوح مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برای افراد جامعه مورد تأکید است. همچنین به منظور افزایش سطح نگرش عاطفی ساکنان منطقه نسبت به مقوله وقف، برنامه‌هایی فرهنگی – تبلیغی با محوریت ترویج این سنت اجرا شود تا علاوه بر مشارکت هر چه بیشتر ساکنان در عمل به وقف، شاهد ارتقای سطح نگرش آنان در جهت اثرگذاری بیشتر بر جلوه‌های عملی وقف باشیم. برای اینکه اثرگذاری نگرش رفتاری به عنوان بعدی از نگرش کل بتواند جلوه‌ی بیشتری به خود بگیرد می‌بایست دو بعد قبلی نگرش به خوبی برای افراد نهادینه گردد. چرا که بدون داشتن شناخت و احساس به رفتار و کنشی احتمال نگاه عملی به آن امکان‌پذیر نبوده و یا بسیار پایین خواهد بود.

هنجار ذهنی نیز به عنوان متغیری اثرگذار بر تمایل رفتاری نیاز به تقویت دارد. هرچند نسبت به نگرش اثرگذاری بیشتری در آن گزارش شده است. از آنجا که هنجار ذهنی بر اساس برخی باورها که افراد نسبت به گروه‌های فشار دارند شکل می‌گیرند و تبدیل به هنجارهای ذهنی می‌گردند، بایستی از طریق جامعه‌پذیری مناسب و مطلوب بهبود یابد. باید درنظر داشت که هنجار ذهنی عاملی درونی و نیازمند وجوه انگیزشی بالاست و اگر این انگیزه که می‌تواند در قالب تأیید و تشویق افراد مهم زندگی فرد اتفاق افتد (چه بسا این افراد مهم و یا گروه‌های فشار می‌تواند در سطوح گسترده‌ی جامعه پراکنده باشند و برای یک فرد یک وزیر و برای فرد دیگر همکاران آن بتوانند اثرگذاری زیادی داشته باشند) بایستی آن را در شبکه‌ای بهم پیوسته در نظر گرفت و مدیران، متولیان امر و برنامه‌ریزان در زمینه‌ی وقف این نکات را در طرح‌ها و برنامه‌های خود لحاظ نمایند. بنابراین پرداختن به هنجار ذهنی -به عنوان عاملی که می‌تواند حتی نگرش افراد را به واسطه‌ی بافت خاصی که دارد، تحت تأثیر قرار دهد- بسیار حساس و حیاتی است. اینکه افراد چگونه در جهت کنش مدنظر تربیت شوند نیازمند آموزش صحیح در همان حیطه است. هنجار ذهنی نیز با توجه به درگیر بودن با فضای اجتماعی و فرهنگی افراد نیازمند همین آموزش‌های صحیح می‌باشد که مسؤولین امر می‌بایست بدان توجه نمایند.

درخصوص کنترل رفتاری ادارک‌شده می‌توان چنین عنوان نمود: باتوجه به این که کنترل رفتاری ادارک‌شده انگیزه‌ی افراد را توسط درک او از سختی کنشی خاص و نیز میزان موفقیت و پیروزی که از رهگذر نمایش یا عدم نمایش آن رفتار حاصل می‌گردد شکل می‌دهد، این امر خود می‌تواند به عنوان یک عامل بازدارنده و یا حتی عاملی پیش‌رونده در ارتباط با وقف عمل کند. به منظور این‌که شهروندان منطقه‌ی ثامن از ضریب پیشروندگی بالایی در باب کنترل رفتاری ادارک‌شده راجع به وقف برخوردار شوند (هرچند کنترل رفتاری ادارک‌شده شهروندان منطقه‌ی ثامن ضریب اثرگذاری بیشتری را نسبت به سایر متغیرها دارا بود) می‌بایست به ابهام‌زدایی درباره‌ی فرآیندها، مراحل و روندهای صورت‌گرفته در انجام وقف پرداخته شود، تا اینکه شهروندان بدان باور و اعتقاد درمورد توانایی و قدرت لازم خود برای مشارکت در وقف دست یابند و شرکت در وقف را کاری غیرممکن و مسیری صعب‌العبور نپندارند.

منابع

احمد بن سلمان ، ابوسعید. (۱۳۵۸). *مقدمه‌ای بر فرهنگ وقف*. تهران: انتشارات سازمان حج و اوقاف.

امیرشیبانی، عبدالرضا. (۱۳۸۰). *سیمای وقف در خراسان (جلد اول)*، مشهد: موسسه فرهنگی انتشاراتی سگال.

بشیری، عباس. و مریم‌پور، رحیم. و زمانی، جمشید. و رجایی، بهزاد. و باقری، سعید. (۱۳۹۰). *حقوق کاربرد ی وقف و اراضی موقوفه*، تهران: انتشارات تمرکز.

پرنده، غلامرضا. (۱۳۹۱). *آنچه در مورد وقف باید بدانیم*. مشهد: انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

پوراحمد. احمد. و منوچهری میاندوآب، ایوب. و رفیعی مهر، حسین. و آقاصفری، عارف. (۱۳۹۲). بررسی نقش وقف در توسعه و ساماندهی فضایی شهرها (مطالعه موردی: شهرلاجین). *فصلنامه مطالعات شهرایرانی اسلامی*، ۱۲، ۱۴-۵.

جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۹۴). *ترمینولوژی حقوق*. چاپ ۲۷، تهران: نشر گنج دانش.

حافظنیا، محمد رضا. (۱۳۹۲). *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*. چاپ نوزدهم، تهران: انتشارات سمت.

حائری یزدی، محمدحسن. (۱۳۷۸). تاثیر وقف بر اقتصاد اسلامی. *مشکوه، ۶۲-۶۵*، ۲۷۹-۲۵۵.

داوری، علی. و رضازاده، آرش. (۱۳۹۳) *مدل سازی معادلات ساختاری با نرم افزار PLS*، چاپ دوم، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

سلیمی‌فر، مصطفی. (۱۳۷۰). *نگاهی به وقف و آثار اقتصادی-اجتماعی آن*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.

صفایی‌پور، مسعود. و سیاحی، زهرا. و زرگرشوشتری، محمدامین. و داری پور، نادیا. (۱۳۹۲). بررسی تاثیر وقف بر توسعه اقتصادی شهر اهواز؛ مطالعه موردی: منطقه یک. *مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری*، ۵(۱۶)، ۱۰۴-۸۹

عسکری، محسن. و بغدادی، آرش. (۱۳۹۴). آسیب شناسی چارچوب مطالعات کالبدی وقف در شهر اسلامی. *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۲۰، ۴۸-۳۷.

الکبیسی، محمدعبید. (۱۳۶۴). *احکام وقف در شریعت اسلام*. ترجمه صادقی گلدار، چاپ اول، انتشارات اداره کل حج و اوقاف و امور خیریه استان مازندران.

کلانتری خلیل آباد، حسین. و صالحی، سیداحمد. و رستمی، قهرمان. (۱۳۸۹). نقش تاریخی وقف در شکل گیری شهر اسلامی (مطالعه موردی شهر اصفهان). *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۱،۴۳ -۳۳.

مصباحی مقدم، غلامرضا. و میسمی، حسین. و عبدالهی، محسن. و قائمی اصل، مهدی. (۱۳۹۰). وقف به مثابه منبع تامین مالی خرد اسلامی ارائه الگوی تشکیل موسسات تامین مالی خرد وقفی در کشور. *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشهای رشد و توسعه اقتصادی*، ۲(۵)،۱۳۰-۹۱.

مؤذن علوی، سید احمد. (۱۳۷۷). *وقف و نقش آن در عدالت اجتماعی و تعدیل اقتصادی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد.

میرهاشمی، زهراسادات. و سرهنگیان، محمد. (۱۳۹۳). امکان استفاده از نهاد وقف در تجاری سازی دانش و فناوری و الگوی پیشنهادی آن. *فصلنامه سیستهای مالی و اقتصادی*،۲(۸)،۸۲-۶۳

نیکمهر، اسدا.... و وکیلی، هادی. (۱۳۹۲). نیت و مصارف موقوفات واقفان مشهد در دوره پهلوی اول و دوم. *مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ*، ۹۱، ۱۳۱-۱۰۹.

Ajzen, I. (2006). *Constructing a TPB questionnaire*: *Conceptual and methodological* considerations. Retrieved http://www.people.umass.edu/aizen/pdf/tpb.measurement.pdf. (accessed 15 Feb 2014)

Alam, Syed., & Sayuti, N. (2011). Applying the Theory of Planned Behavior (TPB) in halal food purchasing. *International Journal of Commerceand Management ,21*(1): 8-20.

Fishbein, M., & Ajzen, I. (1975). *Belief, attitude, intention, and behavior: An introduction to theory and research. Reading*, MA: Addison-Wesley

Hrubes, D., & Ajzen, I. (2001). Predicting Hunting Intentions and Behavior: An Application of the Theory of Planned Behavior. *Leisure Sciences* , 23:165-178

Jalilvand, M R., & Samiei, N. (2012). The impact of electronic word of mouth on a tourism destination choice Testing the theory of planned behavior (TPB). *Internet Research*, *22* (5): 591-612.

Smarkola, C. (2008). Efficacy of a planned behavior model: Beliefs that contribute to computer usage intentions of student teachers and experienced teachers. *Computers in Human Behavior*, *24*(3): 1196-1215.

http://www.aqr.ir/portal/home/showpage.aspx?object=relatedtopics&categoryid=5ae38424-aed3-438c-ae33-994639165df0&webpartid=9e11d7f7-32cd-4efe-a633-bee683895105&id=26c00567-3a18-4783-bfcb-bb46c6d3baa5